



### ● تبر یازدهم

حجت الاسلام والمسلمین قرآنتی

یأس از گناهان کبیره است. هم نسبت به لطف خدا؛ اینکه بگویی: خدا دیگر ما را نمی‌بخشد؛ من دیگر آدم بشو نیستم. هم نسبت به خود و دیگران؛ اینکه بگویی: از من گذشته دیگر سراغ تحصیل علم بروم. از او گذشته که دیگر من نصیحت کنم و گوش بدهد. گاهی وقت‌ها ممکن است چند بار هم نصیحت کنیم و آن فرد گوش ندهد؛ ولی بار آخر گوش بدهد. مثل چوب سفتی که ده بار تبر زدی و نشکست، ممکن است با تبر یازدهم بشکند. نمی‌شود گفت: بابا من ده بار تبر زدم نشکست، دیگر من تبر را دور می‌اندازم یا چوب را دور می‌اندازم. نه تبر را باید دور انداخت، نه چوب را. مثل قرص بچه! بچه که مریض شد، شما نمی‌گویید: من نه تا پزشک بردم و خوب نشده است! اگر نه پزشک بردی و خوب نشد، بچه را رها می‌کنی و در کوچه می‌گذاری؟ پزشک دهم خوب نشد، یازدهم. خوب نشد دوازدهم! خسته نشوید.



### ● باری به هر جهت نباشیم

حجت الاسلام والمسلمین رفیعی

یکی از راه‌های کسب محبت الهی، پرهیز از آن چیزهایی است که خدا مبعوض می‌دارد؛ مثلاً شما فرزندی دارید، می‌گویید: بابا اگر با فلانی قدم بزنی، دیگر من دوستی‌ام را کنار می‌گذارم. خیلی دوست دارم؛ به شرط اینکه دروغ نگویی، خیانت نکنی. امام صادق علیه السلام فرمودند: «من به دنبال محبت خدا بودم؛ دیدم محبت خدا در بغض اهل معصیت است». یعنی اگر کسانی معصیت می‌کنند و من ناراحت نشوم و برایم مهم نباشد، راحت سر سفره‌شان بروم و با آنها حشر و نشر داشته باشم، محبت خدا با این جور در نمی‌آید. امام صادق علیه السلام سر یک سفره‌ای دعوت شدند. ظاهراً منصور دوانیقی مراسمی گرفته بود. سر سفره شراب آوردند. آقا بلند شد. هر چه اصرار کرد، فرمودند: نه. جایی که شراب باشد، نمی‌نشینیم! آخر سوره شعرا وقتی می‌خواهد شعرای غیر متعهد را معرفی کند، می‌فرماید: «فِي كُلِّ وادٍ يَهيمون»؛<sup>۲</sup> این‌ها هر جایی دعوت بشوند، می‌روند. نباید باری به هر جهت بود. انسان مؤمن باید موضع داشته باشد. این جلسه‌ای که درونش شراب خواری است، در آن اختلاط و ابتذال است، محرم و نامحرم حریم راعیت نمی‌کنند، من شرکت نمی‌کنم و از این جلسه بیرون می‌آیم. محبت الهی اقتضا می‌کند انسان نسبت به محرّمات و مبعوضات الهی، حساسیت داشته باشد.



### ● حیا کردنی که عاقلانه نیست

دکتر سید محسن میرباقری

حیا کردن نابجا، امر عاقلانه‌ای نیست؛ بلکه نشان از کم‌اندیشی آدمی است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «حیا بر دو گونه است: حیای عاقلانه و حیای به دور از خرد. اگر کسی از تذکر دادن به افراد غافل حیا کند، این حیا، حیای غیرعاقلانه است نه حیای عاقلانه. یا حیا در بیان احکام شریعت، یک حیای غیر عاقلانه است. احکام شریعت گاهی به مواردی مربوط می‌شود که انسان از گفتن و یا سؤال کردن درباره آن شرم دارد. این نوع شرم موجب می‌شود که احکام خدا اجرا نگردد. بیان این احکام با حفظ حریم‌ها بر والدین و اولیای مدرسه واجب است. گاهی متأسفانه دیده می‌شود که چون مادر از بیان احکام برای دختر شرم دارد یا پدر از بیان احکام برای پسر حیا دارد، تا مدت‌ها اعمال عبادی آن‌ها با مشکل روبه‌رو بوده است. البته باید به فرزندان هم آموزش داده شود که درباره مسائلی که نمی‌دانند، سؤال کنند.



● باغبان خیرخواه  
حجت الاسلام والمسلمین رنجبر

این باغبان‌ها قیچی باغبانی دارند؛ خیلی هم تیز و بُرنده است. نشستی کنار گلی و داری تماشايش می‌کنی. چقدر زیبا و جذاب است. یک وقت باغبان با یک قیچی که در دستش است، شروع می‌کند بی‌رحمانه این ساقه‌ها و شاخه‌ها را می‌چیند. می‌گویی: حیف است، نکن. خیلی زیباست. گوشش به حرف شما بدهکار نیست. به ظاهر بی‌رحمانه است. اما در حقیقت رحمت است به این گل. چون رشد گل در همین هرس کرده است. درست است در ظاهر کوتاهش می‌کند اما بلند شدن و قد کشیدن و قامت کشیدن این گل به همین است. منتهی تو الان را می‌بینی و او چهار روز دیگر را می‌بیند. او بهارش را می‌بیند. این عالم هم باغ است. آدم‌ها هم گل هستند و خدا باغبان است. این باغبان هم قیچی دارد. قیچی تند و تیزی هم دارد. بی‌رحمانه هم قیچی می‌کند. یک وقتی یک منصبی را بی‌رحمانه از تو می‌گیرد. زمین می‌روی و آسمان می‌روی و التماس می‌کنی عین خیالش نیست. چرا؟ چون رشد تو را دلیل می‌بیند. حالا شما نگاه کن اگر ما این را بفهمیم، غم‌های ما تبدیل به شادی نمی‌شود؟ غم‌های ما کجاست؟ وقتی چیزی را از دست می‌دهیم، این می‌گوید: بابا این چیزی که تو از دست می‌دهی، من دارم تو را هرس می‌کنم. رشد تو در همین است. چون من رب هستم. تربیت تو در همین است.



● اولویت معاشرت  
دکتر محسن اسماعیلی

مبادا آن قدر به فکر دیگران باشیم که از نزدیک‌ترین نزدیکان غافل شویم و حقوق آن‌ها را به هوای ادای حقوق دیگران ضایع کنیم. اگر انسان حق نزدیکانش را ضایع کرد و به آن‌ها بی‌توجهی و کم‌لطفی داشت، این را هم بداند که به دست خود ایشان را به سوی دام‌های خطرناکی سوق داده است که بیگانگان و بدخواهان برای او پهن می‌کنند. این بیان امیرالمؤمنین علیه السلام است. اگر پدری به فرزندانش بی‌اعتنایی کند و اگر همسری به شریک زندگی‌اش محبت نکند و این رابطه گرم را ضایع سازد، باید منتظر باشد که همسر و فرزندش در دام محبت‌های دروغین بیفتند و عاقبت سوء آن را فقط خدا می‌داند. بسیاری از آسیب‌های اجتماعی، مانند فرار از خانه، طلاق، خیانت به همسر، ازدواج مجدد و فرار مغزها را از این منظر هم می‌توان، و بلکه باید تحلیل و درمان کرد؛ گرچه آسیب‌های اجتماعی هیچ‌گاه معلول یک علت نیستند.



● پناه بر خدا از درد ساختن  
استاد عبدالله فاطمی نیا

می‌فرمایند حتی در عبادت هم مشقت ساختن جایز نیست. [می‌گوید] من امروز باید چه حال دارم و چه حال ندارم این هشت جزء را بخوانم، بعد هم عاشورای خود را هم بخوانم، جوشن کبیر خود را هم بخوانم، بعد بخوابم. حالا فردا درس هم دارم، فردا را سر کلاس چرت بزنم، بخوابم، درس خود را نخوانم. این یعنی سختی ساختن، مشقت ساختن. فرمود: «لَا تَكْرَهُوا إِلَيَّ أَنْفُسَكُمْ الْعِبَادَةَ؛ عبادت را برای خود آکراه نکنید، برای خود تلخ نکنید». بارها گفته‌ام که نوجوان را از خواب هفتم بیدار می‌کنند بلند شو به هیئت برویم. از خواب هفتم بلند می‌کنند، بدبخت دیر هم خوابیده است، تا می‌گوید حال ندارم، می‌گویند حال نداری؟ خیلی خوب، همین دیگر! خدا تو را از در خانه خود رانده است. یک نوجوان را در خواب هفتم این‌طور کوبیدن، از خدا مأیوس کردن! از کسانی است که فکر می‌کنند تربیت بلد هستند. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: من به تو پناه می‌برم از مشقت ساختن، درد ساختن حتی برای خود. می‌رود یک خانه‌ای می‌خرد، یک ماشینی است دوست دارد رفته است خریده است، شب و روز خود را به هم دوخته است که قسط آن را بدهد. بیچاره شده است. چرا؟ دوست داشته است از این‌ها داشته باشد. خوب حالا یک چیز دیگر می‌خریدی. یک خانه خریده است شب و روز در فکر این است که باید قسط آن را بدهد. قرض آن را بدهد. مشقت سازی خیلی بد است.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۷۳.
۲. شعرا، ۲۲۵.